

منزلت اجتماعی و دبیران جغرافیا

● دکتر سیاوش شایان

نگاهی

موشکافانه

به جوامع

کنونی و فعالیت‌های

افراد تشکیل‌دهنده این

جوامع، نشانگر این واقعیت

نسبتاً پنهان است که یکی از

اهداف عمده افراد، کسب منزلت

اجتماعی است، یعنی رسیدن به جایگاهی

که از نظر دیگر افراد و جوامع، والاتر و محترم‌تر

باشند. این احترام و مقام والا از راه‌های گوناگون

به‌دست می‌آید: از راه ثروت، قدرت سیاسی، توان نظامی

یا موقعیت خوب در اجتماع از نظر علمی و ارزشی.

انسان‌ها برای کسب این منزلت به شیوه‌های مختلف دست

می‌بازند: درس می‌خوانند، آموزش می‌بینند، ثروت مالی می‌اندوزند

یا به انباشت ثروت معنوی (دینی، ادبی، آموزشی و...) می‌پردازند. به

هر روی، به نظر می‌رسد که همه افراد اجتماع در پی کسب منزلت

اجتماعی و بالاتر قرار گرفتن در سلسله‌مراتب طبقه‌بندی‌های ذهنی

یا مجازی هستند.

افراد یک گروه می‌توانند به فضایل اخلاقی یا علمی همتایانشان

توجه کنند و از این راه خود را در مرتبه بالاتری در اجتماع قرار دهند.

نویسندگان، شاعران، فیلسوفان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت

با ارائه نوشته‌ها و اشعار و دستاوردهای علمی خویش در قالب‌های

گوناگون در پی کسب منزلت‌های اجتماعی هستند. هنرمندان

(مجسمه‌سازان، نقاشان، خوش‌نویسان، بازیگران سینما و تئاتر و

دبیرهنرمندان) نیز در پی همین منزلت‌های اجتماعی هستند و هدف

هر یک از آنان، ارائه طرح‌های نو در حوزه شعر، کلام و جلوه‌های

بصری است تا به وسیله آن‌ها، تمایز خویش از اجتماع و قرار گرفتن

خود در طبقه اجتماعی «منزلت‌داران» را بیان کنند.

در میان همکاران تعلیم و تربیت در دبیرستان‌ها نیز، دبیران جغرافیا، آگاهانه یا ناخواسته در پی منزلت اجتماعی در محیط نسبتاً کوچک آموزشگاه در بین همکاران علمی و دفتری یا در بین دانش‌آموزان هستند. این دبیران سعی دارند با مهربانی و با توجه به وسعت نظری که دارند و علمی که آموخته‌اند، در کانون احساسی اجتماع کوچک آموزشگاه قرار گیرند و از راه پاسخ‌گویی به پرسش‌های جغرافیایی و محیطی دبیران و همچنین بیان گستردگی جهان پیرامون و قوانین طبیعی و اجتماعی حاکم بر جهان هستی، در درجه اول پاسخ پرسشگران را بدهند و در درجه دوم به منزلت اجتماعی که پیامد این پاسخ‌گویی هاست، دست یابند.

جمله معروفی وجود دارد که بیان آن شاید قدری خودخواهانه و متعصبانه به نظر آید؛ آن جمله این است: «جغرافی دانان مردمان نجیبی هستند.» گوینده این عبارت یک جغرافی دان خارجی است، اما به نظر می‌رسد وی با مشاهده دقیق رفتار، کردار و ویژگی‌های روان‌شناختی همکاران خود به این نتیجه رسیده باشد که نجابت، ویژگی غالب

بسیاری از جغرافی دانان است. اگر بخواهیم ریشه این نجابت را که معمولاً با فروتنی همراه است بیابیم، به نظر می‌رسد که آموزه‌های جغرافیایی علمی جغرافی دانان که شامل گستردگی کیهان، وسعت زمین، گذر زمان، تغییر و تحول در مکان‌ها و تنوع در رفتارهای انسان با محیط در مناطق مختلف جغرافیایی است و همچنین تفاوت‌های فرهنگی بین گروه‌های انسانی و وجوه اشتراک بین برخی رفتارهای انسانی، منشأ این دیدگاه وسیع جغرافی دانان نسبت به جهان پیرامون و احساس افتادگی و فروتنی در برابر این جهان وسیع و تنوع انسانی باشد.

جغرافی دانان همکار ما در دبیرستان‌ها همواره در معرض پرسش‌های متعدد همکاران خویش و دانش‌آموزان درباره سازوکار زمین و آسمان هستند. پرسش‌های بسیاری درباره تغییرات محیطی، مخاطرات طبیعی، ویژگی‌های زمین و آسمان، برخورد انسان‌ها با محیط طبیعی و وظیفه انسان در قبال حفاظت از زمین در طی روز و هفته و ماه و سال تحصیلی مطرح می‌شوند که به‌طور طبیعی همکاران و دانش‌آموزان توقع دارند پاسخ آن‌ها را از دبیران جغرافیا یا دبیران علوم زمین بشنوند. همکاران ما نه تنها پرسش‌های مربوط به ویژگی‌های طبیعت و انسان را پاسخ می‌دهند، بلکه گاه بر حسب سازوکار کتاب‌های درسی که پرسش‌های بنیادی را برای دانش‌آموزان مطرح می‌کنند، در پی ارائه راهکارهایی برای تداوم بهره‌گیری عاقلانه و محتاطانه از زمین هستند. به نظر می‌رسد دبیران جغرافیا در آموزشگاه‌ها تنها به وظیفه تدریس رسمی، حل مسائل علمی کتاب‌های جغرافیا و انسان و محیط و دیگر کتاب‌هایی که وظیفه تدریس آن‌ها را بر عهده دارند عمل نمی‌کنند، بلکه فعالیت‌های علمی و اجتماعی آنان گسترده‌تر و به‌نوعی پیونددهنده علوم مختلف با یکدیگر و همکاران آموزشگاهی در باب سازوکار دنیای پیرامون هستند.

نگاهی دوباره به مجموعه مطالبی که در اینجا ارائه شد، بیانگر این است که دبیران جغرافیا به شکل ناخودآگاه منزلت اجتماعی ویژه‌ای را میان همکاران و دانش‌آموزان کسب می‌کنند و اغلب همکاران آموزشگاهی به آنان به دید افرادی با وسعت نظر، دارای توانایی حل مسائل و مشکلات محیطی و اجتماعی و همکارانی با اخلاق و در نهایت «نجیب» می‌نگرند. نظر شما در این باره چیست؟